

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۲۱ *

فهرست مطالب :

۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱ - تصویب صورت مجلس

۲ - بقیه شور لایحه متمم بودجه سال ۱۳۲۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه دهم آبان ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند *

۱ - تصویب صورت مجلس

دستور دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای مصدق

جهانشاهی فرمایشی داشتید؟

مصدق جهانشاهی - بنده را غایب بی اجازه نوشته اند

در صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم و با اجازه بودم.

رئیس - اصلاح میشود. در صورت مجلس نظری نیست؟

(اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

دکتر تاج بخش - اجازه میفرمائید.

جمعی از نمایندگان - دستور. دستور.

دکتر تاج بخش - عرض داشتم. (عده از نمایندگان -

۲ - بقیه شور لایحه متمم بودجه سال ۱۳۲۱

معاون وزارت دارائی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

معاون وزارت دارائی (آقای اردلان) - آقایان

نمایندگان همه مسبوق هستند که بعضی قوانین اگر بموقع

خودش تصویب نشود آن اثرش تقریباً از بین میرود منجمله

متمم بودجه است که مجلس شورای ملی برای مملکت تصویب

میکند مواد متمم بودجه هم همان حال را دارد یعنی اگر

آنها بگذاریم برای آخر سال مثل این است که اصلاً تصویب

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح صد و چهارمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* استاجی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : فاطمی - اصفهانی - یارسا - مسعودی خراسانی .

غائبین بی اجازه - آقایان : تولیت - دکتر ضیاء - نوبخت - ملک مدنی - اورنگ - مشیر دوانی - ناصری - امیر ابراهیمی -

معتمد سنگ - دبستانی - جهانشاهی - آصف - صادق وزیری - اعتبار - کامل ماکو - همراز .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : اکبر - نصرتیان

نشده این است که بنده تمنی میکنم دو چیز را یکی مساعدت در اینکه قوانین مواد متمم که در يك یاد و جلسه بیشتر کار ندارد از تصویب نمایندگان محترم بگذرد و یکجا هم موافقت بفرمائید موادی که تا کنون از قانون متمم بودجه تصویب شده این را اجازه بدهند که دولت بتواند بموقع عمل و اجرا بگذارد. (صحیح است - صحیح است) تا اینکه باقی مواد تصویب برسد. (صحیح است).

بعضی از نمایندگان - دستور - دستور ...

رئیس - در ماده ۴۵ عده از آقایان نمایندگان اجازه خواسته اند که صحبت کنند ...

طباطبائی - اگر پیشنهاداتی است بفرمائید بخوانند. رئیس - آقای تهرانچی.

تهرانچی - بنده در این ماده مخالفتی نداشتم فقط مطالبم این بود که مجال داده شود که مطالب گفته شود. (رئیس - در ماده صحبت میکنید) بلای بلی در ماده صحبت میکنم عرض کنم البته جنگل های این کشور یکی از ثروت های عمومی است و برای مملکت از هر جهت کاملاً مفید و بلکه لازم است و اگر نباشد يك مضراتی دارد ولی این ماده بطوریکه تنظیم شده است مینویسد برای نگهداری آنها. بعد از این برای ازدیاد و نگهداری جنگل از هر متر مکعب چوب بیست ریال گرفته میشود عرض کنم که بنده میخواستم این را عرض کنم که عمل وزارت کشاورزی که تا کنون شده است مخصوصاً از شهریور ماه باین طرف کاملاً برعکس و بر علیه این منظور بوده است یعنی چوب های زیادی قطع شده اجازه های زیادی برای قطع داده شده است چه با اجازه و چه بی اجازه بریده شده است و اشخاص استفاده های خیلی خیلی بزرگ کرده اند بنده میتوانم چندین نفر را الآن خدمت آقایان بگویم که از این راه میلیونر شده اند میلیونر تومانی نه میلیونر ریالی با این وصف آنوقت بنده تعجب میکنم که وزارت کشاورزی يك مبلغ خیلی جزئی که اصلاً برای نگاهداری و برای ازدیاد جنگل در يك دهی که بخواهند همه اش را جنگل کنند

کافی نخواهد بود این را پیشنهاد میکنم ولی امروز تمام جنگل های مملکت دارد از بین میرود و بریده میشود و اصلاً جلوگیری هم از او نمیشود اصلاً چرا اجازه داده میشود (افشار - قانون گفته است آقا) که چوبها را ببرند و بمصرف آبی خودشان برسانند اصلاً ضرورت ندارد این عمل یعنی نسبت بآنکه کشور را اثری ندارد در صورتیکه از بین رفتن جنگل تأثیرش این است که از هر جهت برای مملکت ضرر خواهد بود در جلسه پیش هم عرض کردم همین بود والا با اینکه فرستادند بفرمائید مبلغی تصویب شود برای ازدیاد جنگلها و بمصرف ازدیاد جنگل برسد و خرج پشت میزیها نشود بنده البته صد در صد موافقم و باید هم این کار بشود ولی این مبلغ جزئی به اصل عملش نیاز دارد برای اینکه متأسفانه این مقررات آفا در احوال بعضی آنها که چوب را میبرند و میلیون ها استفاده میکنند و بمصرف شخصی و غیر شخصی میبرند برای آنها هیچ تأثیری ندارد و این قانون برای او اجرا نمیشود اما برای رعیت بیچاره که میخواهد خانه بسازد چوب های صنعتی هم نیست از چوب توسکا که در ایران مشهور است از چوب های بیست است که بمصرف هیچ چیز نمیرسد و آنها برای خانه سازی و مصرف شخصی رعایای بیچاره است برای آنها بقدری شدید اجرا میشود که بیچاره ها بیخانه و بی جا میمانند در صورتی که چوب مال خودشان است و خداوند بآنها داده است که خانه خودشان را بسازند چوب نمیتوانند از آجر و گل بسازند خداوند هم به آنها چوب داده است که استفاده کنند با این وصف اینها را اذیت میکنید و آنها هم موفق نمیشوند در صورتیکه میلیون میلیون چه صادر میشود چوب و چه میبرند و يك مبلغی گزاف استفاده میبرند میروند و اجازه میگیرند بنده اصلاً نمیدانم چرا اجازه داده میشود که این چوبها را ببرند و این مبالغ گزاف از ثروت کشور را بمفت خارج کنند آنوقت بگویند متر کوب دو تومان بدهید و آنها هم چندین هزار تومان استفاده کنند و آقایان بروند برای خودشان اراضی ذرعی ده تومان را بخرند ذرعی صد تومان شده اصلاً از آقای وزیر کشاورزی گذشته از اینکه

توضیح بدهند بعد از این هم خواهش میکنم که از این قسمت جلو گیری کنند و اجازت بریدن چوب هم ندهند حتی اگر برای ترانس یا چوب برای کشور لازم باشد خود وزارت کشاورزی این اقدام را نکنند و خودش تهیه کنند و باید خود دولت بشود خدا شاهد است اینقدر مخالفت نبود که اگر يك ثروتی از مملکت برود اصلاً حجت يك اشخاص ایرانی برود ولی يك تاجر های خارجی يك کارهایی میکنند و يك استفاده های بزرگی میکنند این است که بایستی جلو گیری شود.

وزیر کشاورزی - بنده دو سه جلسه راجع بر رویه ای که فعلاً داریم در امور جنگلها توضیحاتی در مجلس شورای ملی قبلاً عرض کردم. البته تا وقتیکه يك قانونی وضع شود و يك مجازاتی تعیین شود اقدام وزارت کشاورزی برای جلوگیری از بعضی تجاوزات محدود است متأسفانه همانطوری که در جلسه گذشته هم عرض کردم این قانون چندین ماه است که مطرح است و عمده کارش هم تمام شده و فقط يك شوش بقیه است و آنها هنوز در جریان است و معلوم نیست کسی تصویب خواهد شد روزی که این قانون تصویب شد و بدست وزارت کشاورزی داده شد آنوقت وزارت کشاورزی میتواند آنها را تعقیب کند بنده تصدیق میکنم که يك اشخاصی بی اجازه و چوب جنگل را قطع میکنند ولی تنها زوری که بنده دارم در این مورد این است که چوب را توقیف بکنم بدهم پدائی که بفروشد هیچ مجازات دیگری برای تعقیب کردن آنها نداریم اخیراً يك قاچاقچهای خیلی خیلی عمده هم گرفتیم خیلی عمده و کاری که ما توانستیم بکنیم این بود که آقا چوبها را دادیم بدارائی شهسوار که بفروش برساند البته آن کسی که این کار را کرده از يك نفع کلی محروم ماند ولی از این زیانی که بشکست وارد آورده بود صدمه ای ندید و مجازاتی نشد (منشور - به پار که بهترستید و سیه اش را) بمحکمه بفرستید تا قانون که نباشد بهیچوجه نمیتوانیم پیکار که بفرستیم شما قانون بگذارید این را بفرستیم به محکمه مجازات شود (صحیح است) قطع چوبی که با اجازه بوده

است گویا در يك جلسه دیگر هم توضیح عرض کردم بر حسب بعضی ضرورتها يك اجازه هائی دادیم برای مصرف راه آهن و قسمت اعظم این ترانسها که تهیه میشود برای خطوط داخلی خودمان است تا حدی که بنده اطلاع دارم يك شرطی ساخته میشود یا ترانسها عوض میشود یا بعضی ترانسها ساخته میشود و مقدار خیلی جزئی از اینها صادر میشود و در عهه بل اینها مقدار نسبتاً قابل ملاحظه ای بنده بذر گرفته ام برای گرمسیرات غرب و لرستان و خوزستان و بوشهر و تصور میکنم در این معامله هم يك ضرری بشکست وارد آمده باشد راجع باین موضوع که اشخاص استفاده های کلی میکنند البته صحیح است ولی حالا زمانه طوری است که هر کس يك معامله کوچکی هم بکند استفاده میکند امروز امروز آجر میخورد فردا میفروشد و فایده میبرد شاید استفاده اینها هم از این نظر است در هر حال بنده مسبوق هستم بنده هم از این موضوع جلو گیری خواهم کرد دولت هم اجازه داده است خود وزارت کشاورزی بماند سرمایه هم بما دادند و بزودی شروع بکار خواهیم کرد که همه مقطوعاتی که درخت باشد بدست خود دولت باشد تا هم از تخریب جنگل جلوگیری شود هم اگر نقصی هم باشد عاید خود دولت شود.

تهرانچی - بسیار خوب صحیح است (بعضی از نمایندگان کافی است کافی است). رئیس - آقای هاشمی هاشمی - در آخر جلسه گذشته بعنوان اینکه سایر آقایان هم حرف خودشان را بزنند رأی بکفایت مذاکرات گرفته شد و رد شد و امروز هم که یکی دونفر آقایان حرف زدند باز هم بعضی از آقایان میفرمایند که مذاکرات کافی است چرا کافی است بنده مخالفم با کفایت مذاکرات بعضی از نمایندگان - رأی - رأی) رئیس - موافقین با کفایت مذاکرات برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. رئیس - پیشنهادات خوانده میشود: سه فقره پیشنهاد

از طرف آقایان: اوحدی، معدل و حمزه تاش رسیده که پیشنهاد میکنند به حذف ماده (۴۵) - پیشنهاد آقای انوار:

پیشنهاد میکنم مالیات منظوره در (۴۵) مطابق ترتیب جاریه وزارت دارائی در لایحه علیحده پیشنهاد کند و طبق نظامنامه داخلی مجلس جریان پیدا کند.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده هم موافقت میکنم در وضع ولی ترتیبی که در وضع مالیات است از مجلس که گرفته شود دولت بعد از این بیاید در یک لواجسی یک مالیاتی را در آن لواجیح بگنجانند ما هم زود رأی بدهیم بنده هم موافق هستم که این را دولت در لایحه علیحده ای در تحت یکماده پیشنهاد بکنند برود بکمیسیون مالیه شور بکنند بیاید به مجلس دومرتبه بیک ترتیب و بیک جریان طبیعی که داشته است داشته باشد نه اینکه بعد از این بیائید و مالیات را یک شوری بگذرانید اینست که بنده پیشنهاد کرده ام بسته است بنظر اکثریت مجلس که قضاوت بکنند.

مخبر - عرض کنم اگر آقای انوار موافقت بفرمایند که فعلاً چیزی با آخر سال باقی نمانده آقای وزیر هم توضیح دادند این ماده لایحه برای امسال است و توضیح دادند که چیزی نیست چیزی هم نبوده و یک مقدار از این چوبهامورد استفاده واقع شده و کمتر از میان رفته اگر بسوابق اداری آنها مراجعه بفرمائید ضرری ندارد و البته این سابقه حق با آقای انوار است که نباید ایجاد بشود و هر مالیاتی بصورت عادی خودش بگذرد ولی این مورد در این مدت کوتاه تأثیری ندارد تقاضا میکنم موافقت بفرمائید که تصویب شود و پیشنهادشان را مسترد فرمایند.

پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم: مبلغ بیست ریال از خریدار دریافت شود

جمعی از نمایندگان - دو مرتبه پیشنهاد آقای انوار خواند شود:

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین برخیزند (چند نفری قیام نمودند) رد شد. آقای دهستانی:

دهستانی - پیشنهاد بنده این است که بیست ریال از خریدار دریافت شود برای اینکه همانطور که آقای نقابت هم اشاره فرمودند این ضرری متوجه ما نیست نفع است پس اگر در این قسمت نوشته شود که از خریدار گرفته شود واقعاً نفع اندر نفع است.

مخبر - استدعا میکنم توجه بفرمایند آقا اگر وضع مالیات بشود از نفع یا بزرین ده دینار گرفته بشود یا از هر پیت ده ریال گرفته شود این ده ریال را کی میپردازد؟ البته یک طرز وصول هست یک طرز پرداخت آن طرز وصول این است که دولت از کمپانی نفع فرض بفرمائید مربوط و حساب میکنند و میگیرند اما آنها هم میکشند روی قیمت از بنده و سر کار میگیرند که مصرف کننده هستیم پس مصرف کننده میدهد و در موقع وصول دولت دقت میکند که از کجا بگیرد بهتر است یا اینکه در موقع قطع چوب از آن ادارات و شرکتهائی که قطع میکنند میگیرد و یا در موقع حمل میگیرد یا از شرکتهائی که اجازه میگیرند میگیرد بالاخره طرز وصولش با دولت است یعنی مصرف کننده میدهد بنا بر این چوب مقصود حاصل است عبارت را اجازه بدهید خراب نشود.

دهستانی - چون نظر بنده تأمین شد بنده پس میگیرم.

پیشنهاد آقای هاشمی:

جمعی از نمایندگان - پیشنهاد آقای انوار چه شد؟

عده دیگر - آن که رد شد.

پیشنهاد میکنم این ماده را نیز مطابق قوانین وضع مالیات بمجلس بیاورند. هاشمی

رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - عرض میشود بنده و رفقای من مکرر در اطراف موادی که رأی دادیم با حسن نیت بوده است متأسفانه از در مجلس که رقتیم بیرون جز سوء اثر در ملت و ضرر

برای توده مردم نتیجه نداشت بر بر وزیر خوار بار داشتن در اینجا بلند بود با همه آقایان نمایندگان که جلوگیری از گران فروشی نمی شود کرد به محض عنوان این مالیات و تصویب این مالیات چندین برابر بر گرانی چوب این کشور افزوده میشود بگذارید آن کمیسیونهائی که دولت دارد برای جلوگیری اجحاف کنندگان عملی نشان بدهد بما آنوقت این مالیات هم که باین نوع آمده مطابق تشریفات معمول بیاید بمجلس شورای ملی آنوقت ما مطمئن باشیم که دیگر در این قسمت یک ضرری بهم مردم نرود ایم این است عرض بنده اگر شما مطمئن هستید که این نوع وضع مالیات آیا در مجلس سابقه داشته است آنوقت باید در طی ماده متمم بودجه بیاورید و وضع مالیاتی را تضمین بکنید و تصویب بکنید اگر سابقه دارد یک همچو چیزی باز هم پیروی بکنید از آن رویه.

مخبر - اجازه میفرمائید. این پیشنهاد را رأی گرفتند رد شد بنا بر این تکرار همان مفاد را از لحاظ رعایت نظامات استدعا میکنم بفرمائید برای اینکه هر متر مکعب چوب صدویست تومان قیمت دارد از صد و بیست تومان اگر دو تومان مالیات بدهد تأثیری ندارد.

هاشمی - عرض کنم اگر این صدویست تومان چوب از فردا صد و بیست و دو تومان شد بنده حرفی ندارم و حق با آقای نقابت است ولی بنده خودتان را حکم قرار میدهم اینجا به بینید چه اثری میکند در قیمت. در تبصره پیشنهادی که رأی گرفته شد. پیشنهاد آقای انوار بود آقای انوار توضیح دادند ولی موقع رأی گرفتن آقایان ملتفت نشدند که رأی گرفته شد در هر صورت بنده تمنا میکنم باین پیشنهاد بنده رأی گرفته شود. چون این پیشنهاد عین آن پیشنهاد نیست.

رئیس - آقای دکتر سنک.

جمعی از نمایندگان - کافی است آقا رأی بگیرد.

رئیس - چون آقای دکتر سنک عضو کمیسیون هستند میتوانند حرف بزنند.

دکتر سنک - بنده خواستم عرض کنم که آقای مخبر

کمیسیون تشریف می آورند اینجا و میگویند حق با آقای انوار است. در صورتیکه این ماده باید برود به کمیسیون دارائی و در آنجا تصویب شود بعد بیاید اینجا و دلیلش این است که چون وقت تنگ است و فرمودند در بعضی جاها باید این مالیات را گرفت خوب است آقایان تصویب کنند. ایشان حق ندارند که بگویند مجلس این را تصویب کند چرا؛ برای اینکه آنطوری که باید سیر قانونی اش را بکنند نکرده است و نرفته است به کمیسیون مالی و در آنجا تصویب نشده و آمده اینجا و میخواهد تصویب شود و اینکه فرمودند تأثیری در سطح زندگی یا قیمت اجناس ندارد و چیزهای دیگری هست که در آن مؤثر است اینطور نیست شما همزم را می خریدید چند روز پیش به ۱۸ تومان حالا باید بخرید به ۳۸ تومان. فکر کنید آخر آقایان همه باعث زحمت مردم شدن خوب نیست. بنده عقیده دارم که اگر میخواهید این قانون بگذرد باید برود به کمیسیون قوانین دارائی و سیر قانونی اش را بکنند اگر حالا رأی بدهید این خلاف قانون است حالا دیگر بسته بمیل آقایان است.

معاون وزارت دارائی - این را آقا توجه بفرمایند این ترتیب در متمم بودجه سابقه پیدا کرده است بنده اصولاً (البته نه حالا که مدافع لایحه قانونی هستم) این عرض را میکنم که متمم بودجه را آقایان بخواهند پیشنهاد کنند برای سال آینده این طرز نخواهد بود یعنی بودجه باید صاف و روشن باشد و تمام خرج و درآمدش باید به مجلس شورای ملی بیاید و بگذرد ولی این چند سال سابقه شده است و مجلس شورای ملی هم خیلی از درآمدها را رأی داده است مثل ده دیناری که چند روز پیش راجع به پوست بود که این جزء بودجه نبود. این را البته اصولاً عرض میکنم برای اینکه رأی و عقیده شخصی بنده از بین نرود عرض میکنم که در قانون مالیاتی البته خیلی باید دقت کرد و در بودجه قانون مالیاتی را نگذاشت یعنی باید لایحه ای که برای مالیات وضع میشود علیحده از طرف دولت پیشنهاد شود و به کمیسیون مربوطه اش برود او هم مطالعات لازمه را بکنند بعد به مجلس بیاید و سرفرصت دو تا شور هم بشود

تمام این کار هم بشود اینها تمام برای اینست که در جراید نوشته شود در جراید که نوشته شد افکار عمومی روی آن قانون حرف بزنند و فکر بکنند و مطلب بنویسند تا بالاخره يك چیز پخته ای از مجلس بیرون بیاید و این حرفی درش نیست ولی حالا که عمل شده و بیک مواردی رسیده است و وسط سال هم هستیم بگوئیم برگردد و برود چون این برخلاف قانون است این هم صحیح نیست چون سابقه هم دارد هر چیزی را هم که مجلس شورای ملی تصویب کند صحیح است و خلاف قانون هم نیست (صحیح است) پس آقایانی که عقیده ندارند خوب ممکن است در ضمن رأی اظهار عقیده بفرمایند ولی موضوع را با تکلیف باقی نگذارید.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرید

طباطبائی - پیشنهاد دیگر را بخوانید چون بمفاد این پیشنهاد يك دفعه رأی گرفته شده ورد شده است (صحیح است) **رئیس** - مال آقای انوار که رد شد حالا دوباره پیشنهاد شده است این نمیشود پیشنهاد آقای مسعودی :

اینجانب پیشنهاد زبر را تقدیم میدارم :

تبصره - وزارت کشاورزی مکلف است اجازه هائی که برای قطع درخت های جنگلی میدهد و همچنین اقداماتی که برای احداث جنگل می نماید هر سه ماه يك بار بمجلس شورای ملی گزارش دهد .

رئیس - آقای مسعودی

مسعودی - عرض کنم که نقطه نظر بنده از این پیشنهاد این بود که در این موضوع عرض کنم که برخلاف آنچه که بعضی از آقایان تصور میکنند این ماده و این اضافه مالیات که گرفته میشود این تأثیر زیادی در زندگی مردم ندارد این اشتباهی است که آقایان می کنند ملاحظه بفرمائید این ترتیبی که الان رایج است در این مملکت برای چیست ؟ این چه وضعی است این چه ترتیبی است این چه پیش آمدی است که روز بروز یا هر سه روزی یکمرتبه دوروز یکمرتبه صدی ده صدی ۱۵ صدی بیست بر قیمت اجناس بدون جهت اضافه میشود ؟ چطور میشود اینها برای کجا فکر میکنند ؟

باید اساسی را در نظر گرفت نان و زندگی مردم اینها يك مسائلی است که باید در نظر گرفته شود اینها تأثیر دارد و الا این دو تومان در ۱۲۰ تومان برای هر متر مکعب اضافه شود در بازار آزاد این دو تومان چه تأثیری در زندگی مردم دارد ؟ بخصوص گفته میشود که اشخاص استفاده های بزرگی هم میکنند در این کار . اشخاصی که این چوبهارا می فروشند و استفاده می کنند همه میلیونها ثروت دارند و از این کار میبرند معلوم نیست بچه مصارف داخله یا خارجه می رسد در این صورت این قابل این نیست که اینقدر صحبت کنیم و بحث کنیم و دو تومان هم حتی کم است برای این کار برای اینکه این مالیات نیست درست است که بصورت مالیات هست ولی از يك طرف میگوئیم که جنگل را قطع نکنید و از این طرف میگوئیم دست نزنید و بگذارید خراب باشد و از بین برود این دو جور که نمیشود من با این نظر مخالفم و عقیده دارم که همین طور بگذرد و مجلس هم موافقت کند . راجع با اجازه نامه ها عرض کردم که اجازه قطع اشجار جنگلی را نباید وزارت کشاورزی بدهد مگر اینکه اجازه مخصوصی باشد بنابراین اگر این دام تا اندازه ای محدود کنیم که این اجازه ها را با اطلاع مجلس شورای ملی برسانند این شاید باعث شود که ثروت مملکت کم نشود و جنگلهایم آباد شود و در نقاط خرابش احداث و ایجاد جنگل و فلاحت بشود پیشنهاد خودم را هم مسترد میکنم برای اینکه فقط می خواستم توضیحی عرض کرده باشم .

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده ...

طوسی - پنج یا شش نفر از آقایان پیشنهادی کرده اند آقایان دادور و تهرانچی د کتر ملک زاده و سفاری و د کتر سنگک قرائت میشود :

مقام ریاست مجلس

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۴۵ اضافه شود . تبصره دهقین و کشاورزان محلی برای احتیاجات زراعتی و ساختمانهای شخصی از این قانون مستثناء و از پرداختن بیست ریال در هر متر مکعب معاف میباشند . تهرانچی - د کتر ملک زاده سفاری - د کتر سنگک - حمزه تاش .

وزیر کشاورزی - بنده موافق هستم (جمعی از نمایندگان رأی بگیریم) .

جهان شاهی - آقا دولت موافقت کرد .

رئیس - آقای مخبر ؟

مخبر - آقای وزیر موافقت کردند ناچار موافقت حاصل است .

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۴۵ با این اصلاحی که شد آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۲۶ .

ماده ۲۶ - وزارت دارائی مجاز است باغ مهدیه واقع در شهر ری را با تمام منضمات و ملحقات و آب ملکی بقیمت حد اقل که در اعلان مزایده که منتشر شده بجمعیت خیریه شیرو خورشید ابراب واگذار نماید و قیمت آنرا بچهار قسط متساوی سالیانه دریافت دارد .

رئیس - آقای انوار .

انوار - بنده با این ماده موافقم لکن دوسه سال است که می بینم شیر و خورشید سرخ املاک میخرد و مستقالات میخرد اینها در نظامنامه شان همچو چیزی دارند ؟ من نمیدانم چه انتفاعی برای عامه دارد که محلس ترقی میکند منافع این زیاد میشود و بفقرا داده میشود ؟ این در نظامنامه اش که هنوز نگذشته و بمجلس شورای ملی هم نیامده است خواستم ببینم داخل شدن شیر و خورشید در این ماده و لایحه چطور است و چه صورتی دارد ؟ این را يك توضیحی بدهند .

مخبر - عرض کنم شیر و خورشید سرخ دارای يك شخصیت حقوقی است . مخصوصاً اینکه در قانون تجارت يك ماده ای است برای شخصیت مؤسسانی که تشکیل میشود و مقاصد غیر تجارتي دارد مثل مؤسسات خیریه که اینها هم دارای شخصیت حقوقی میشوند همچنین بنگاه شیر و خورشید سرخ رسماً شخصیت حقوقی دارد . بنام شیر و خورشید میشود خرید کرد معامله کرد میتواند مدعی واقع شود مدعی عامه واقع شود و نظامنامه اش هم تصویب رسیده است و شخصیت هم دارد . برای اینکه آقا بیشتر مستحضر شوند عرض میکنم که يك شخصی

يك قطعه زمینی را صلح کرده بود به بنگاه شیر و خورشید سرخ ولی آن زمین را به بنگاه شیر و خورشید سرخ نداده بودند بنگاه به بنده و کالت و اجازه داده بود که آن زمین را وصول کنم و وقتی رفتم دیدم آن زمین را اشخاص دیگری گرفته اند و برده اند من شکایت کردم که این زمین بنام شیر و خورشید سرخ ثبت شده است و محکمه هم حکم داد پس معلوم میشود مقامات قضائی و ثبتی هم شیر و خورشید سرخ را دارای شخصیت حقوقی شناخته اند چون سابقه محکمه ای و حکمی دارد که بنده عرض کردم (صحیح است) .

رئیس - آقای د کتر ادهم .

د کتر ادهم - بنده خواستم عرض کنم راجع با املاکی که شیر و خورشید خریداری کرده است البته آنها را برای تأمین حال فقراء و بینوایان کرده است که در آمد آنها خرج فقرا بشود و معلوم است که اگر املاکی داشته باشد عایدی آنها را برای فقرا و بینوایان از حیث تأسیس آسایشگاهها و تهیه وسائل معالجه و غیره تأمین میکند و در این قسمت گمان میکنم هیچکس مخالف نباشد . شیر و خورشید هم همینطور که فرمودند خودش يك بنگاه مستقلی است که شخصیت حقوقی دارد و راجع با افراد نیست . اشخاصی هم که در آنجا کار میکنند همشان اقتضای هستند بدون اینکه حقوق بگیرند انتخاب شده اند و اوقاتشان را صرف میکنند و برای کمک به بینوایان کار میکنند عایدی و استفاده دیگری هم برای آنها نیست . این قسمت را هم که مذاکره شده است که به شیر و خورشید واگذار شود این باغی است که برای بینوایان و یتیمان و آموزشگاه بینوایان در نظر گرفته شده است و چند سال است در این قسمت اقداماتی کرده است . فعلاً هم يك بنگاهی برای آموزشگاه بینوایان در شهر تأسیس کرده است ولی چون محلس کافی نیست این محل تخصیص داده شده است و شیر و خورشید هم در نظر گرفته است که يك عده بیشتری را بتواند نگاهداری بکند هم از حیث پیشرفت علم و تحصیل و هم از حیث این که يك صنایعی را یاد بگیرند و بیکاره و سرگردان نباشند بنابراین شیر و خورشید در نظر دارد که باغیکه در حضرت عبدالعظیم

تمام این کار هم بشود اینها تمام برای اینست که در جراید نوشته شود در جراید که نوشته شد افکار عمومی روی آن قانون حرف بزنند و فکر بکنند و مطالب بنویسند تا بالاخره يك چیز پخته ای از مجلس بیرون بیاید و این حرفی درش نیست ولی حالا که عمل شده و بيك مواردی رسیده است و وسط سال هم هستیم بگوئیم برگردد و برود چون این برخلاف قانون است این هم صحیح نیست چون سابقه هم دارد هر چیزی را هم که مجلس شورای ملی تصویب کند صحیح است و خلاف قانون هم نیست (صحیح است) پس آقایانی که عقیده ندارند خوب ممکن است در ضمن رأی اظهار عقیده بفرمایند ولی موضوع را بلا تکلیف باقی نگذارید.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرید

طباطبائی - پیشنهاد دیگر را بخوانید چون بمقاد این پیشنهاد يك دفعه رأی گرفته شده ورد شده است (صحیح است) **رئیس** - مال آقای انوار که رد شد حالا دوباره پیشنهاد شده است این نمیشود پیشنهاد آقای مسعودی :

اینجانب پیشنهاد زیر را تقدیم میدارم :

تبصره - وزارت کشاورزی مکلف است اجازه هائی که برای قطع درخت های جنگلی میدهد و همچنین اقداماتی که برای احداث جنگل می نماید هر سه ماه يك بار بمجلس شورای ملی گزارش دهد .

رئیس - آقای مسعودی

مسعودی - عرض کنم که نقطه نظر بنده از این پیشنهاد این بود که در این موضوع عرض کنم که برخلاف آنچه که بعضی از آقایان تصور میکنند این ماده و این اضافه مالیات که گرفته میشود این تأثیر زیادی در زندگی مردم ندارد این اشتباهی است که آقایان می کنند ملاحظه بفرمائید این ترتیبی که الان رایج است در این مملکت برای چیست ؟ این چه وضعی است این چه ترتیبی است این چه پیش آمدی است که روز بروز یا هر سه روزی یکمرتبه دوروز یکمرتبه صدی ده صدی ۱۵ صدی بیست بر قیمت اجناس بدون جهت اضافه میشود ؟ چگونه میشود اینها برای کجا فکر میکنند ؟

باید اساسی را در نظر گرفت نان و زندگی مردم اینها يك مسائلی است که باید در نظر گرفته شود اینها تأثیر دارد و الا این دو تومان در ۱۲۰ تومان برای هر متر مکعب اضافه شود در بازار آزاد این دو تومان چه تأثیری در زندگی مردم دارد ؟ بخصوص گفته میشود که اشخاص استفاده های بزرگی هم میکنند در این کار . اشخاصی که این چوبهارا می فروشند و استفاده می کنند همه میلیونها ثروت دارند و از این کار میبرند معلوم نیست بچه مصارف داخل یا خارجه میرسند در این صورت این قابل این نیست که اینقدر صحبت کنیم و بحث کنیم دو تومان هم حتی کم است برای این کار برای اینکه این مالیات نیست درست است که بصورت مالیات هست ولی از يك طرف میگوئیم که جنگل را قطع نکنید و از این طرف میگوئیم دست نزنید و بگذارید خراب باشد و از بین برود این دو جور که نمیشود من با این نظر مخالفم و عقیده دارم که همین طور بگذرد و مجلس هم موافقت کند . راجع با اجازه نامه ها عرض کردم که اجازه قطع اشجار جنگلی را نباید وزارت کشاورزی بدهد مگر اینکه اجازه مخصوصی باشد بنابراین اگر این را ما تا اندازه ای محدود کنیم که این اجازه ها را بطالع مجلس شورای ملی برسانند این شاید باعث شود که ثروت مملکت کم نشود و جنگلهای آباد شود و در نقاط خرابش احداث و ایجاد جنگل و فلاحت بشود پیشنهاد خودم را هم مسترد میکنم برای اینکه فقط می خواستم توضیحی عرض کرده باشم .

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده ...

طوسی - پنج یا شش نفر از آقایان پیشنهادی کرده اند آقایان دادور و تهرانچی د کتر ملک زاده و صفاری و د کتر سنگک قرائت میشود :

مقام ریاست مجلس

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۴۵ اضافه شود . تبصره دهاقین و کشاورزان محلی برای احتیاجات زراعتی و ساختمانهای شخصی از این قانون مستثناء و از پرداختن بیست ریال در هر متر مکعب معاف میباشند . تهرانچی - د کتر ملک زاده صفاری - د کتر سنگک - حمزه تاش .

وزیر کشاورزی - بنده موافق هستم (جمعی از نمایندگان رأی بگیریم) .

جها نشاهی - آقا دولت موافقت کرد .

رئیس - آقای مخبر ؟

مخبر - آقای وزیر موافقت کردند نه چاره موافقت حاصل است .

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۴۵ با این اصلاحی که شد آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۴۶ .

ماده ۴۶ - وزارت دارائی مجاز است باغ مهدیه واقع در شهر ری را بانمام منضات و ملحقات و آب ملکی بقیمت حد اقل که در اعلان مزایده که منتشر شده بجمعیت خیریه تیرو خورشید ابرار و اگذار نماید و قیمت آنرا بچهار قسط متساوی سالیانه دریافت دارد .

رئیس - آقای انوار .

انوار - بنده با این ماده موافقم لکن دوسه سال است که می بینم شیر و خورشید سرخ املاک میخرد و مستقالات میخرد اینها در نظامنامه شان همچو چیزی دارند ؟ من نمیدانم چه انتفاعی برای عامه دارد که مجلس ترقی میکند منافع این زیاد میشود و بقرارداده میشود ؟ این در نظامنامه اش که هنوز نگذشته و به مجلس شورای ملی هم نیامده است خواستم ببینم داخل شدن شیر و خورشید در این ماده و لایحه چگونه است و چه صورتی دارد ؟ این را يك توضیحی بدهند .

مخبر - عرض کنم شیر و خورشید سرخ دارای يك شخصیت حقوقی است . مخصوصاً اینکه در قانون تجارت يك ماده ای است برای شخصیت مؤسسانی که تشکیل میشود و مقاصد غیر تجارتي دارد مثل مؤسسات خیریه که اینها هم دارای شخصیت حقوقی میشوند همچنین بنگاه شیر و خورشید سرخ رسماً شخصیت حقوقی دارد . بنام شیر و خورشید میشود خرید کرد معامله کرد میتواند مدعی واقع شود مدعی عامه واقع شود و نظامنامه اش هم تصویب رسیده است و شخصیت هم دارد . برای اینکه آقا بیشتر مستحضر شوند عرض میکنم که يك شخصی

يك قطعه زمینی را صلح کرده بود به بنگاه شیر و خورشید سرخ ولی آن زمین را به بنگاه شیر و خورشید سرخ نداده بودند بنگاه به بنده و کالت و اجازه داده بود که آن زمین را وصول کنم و وقتی رفتم دیدم آن زمین را اشخاص دیگری گرفته اند و برده اند من شکایت کردم که این زمین بنام شیر و خورشید سرخ ثبت شده است و محکمه هم حکم داد پس معلوم میشود مقامات قضائی و ثبتی هم شیر و خورشید سرخ را دارای شخصیت حقوقی شناخته اند چون سابقه محکمه ای و حکمی دارد که بنده عرض کردم (صحیح است) .

رئیس - آقای دکتر ادهم .

دکتر ادهم - بنده خواستم عرض کنم راجع با املاکی

که شیر و خورشید خریداری کرده است البته آنها را برای تأمین حال فقراء و بینوایان کرده است که در آمد آنها خرج فقرا بشود و معلوم است که اگر املاکی داشته باشد عایدی آنها را برای فقرا و بینوایان از حیث تأسیس آسایشگاهها و تهیه وسائل معالجه و غیره تأمین میکند و در این قسمت گمان میکنم هیچکس مخالف نباشد . شیر و خورشید هم همینطور که فرمودند خودش يك بنگاه مستقلمی است که شخصیت حقوقی دارد و راجع با افراد نیست . اشخاصی هم که در آنجا کار میکنند همشان اقتضای هستند بدون اینکه حقوق بگیرند انتخاب شده اند و اوقانشان را صرف میکنند و برای کمک به بینوایان کار میکنند عایدی و استفاده دیگری هم برای آنها نیست . این قسمت را هم که مذاکره شده است که به شیر و خورشید واگذار شود این باغی است که برای بینوایان و یتیمان و آموزشگاه بینوایان در نظر گرفته شده است و چند سال است در این قسمت اقداماتی کرده است . فعلاً هم يك بنگاهی برای آموزشگاه بینوایان در شهر تأسیس کرده است ولی چون مجلس کافی نیست این محل تخصیص داده شده است و شیر و خورشید هم در نظر گرفته است که يك عده بیشتری را بتواند نگاهداری بکند هم از حیث پیشرفت علم و تحصیل و هم از حیث این که يك صناعی را یاد بگیرند و بیکاره و سرگردان نباشند بنابراین شیر و خورشید در نظر دارد که باغیکه در حضرت عبدالعظیم

هست آنجا را بقیمتش بخرد از عایدانی که دارد بقیمت بخرد برای مصرف آموزشگاه بینوایان و آنجا را ساختمانهای لازم و اصلاحات لازم بکند که ببرد آنجا بخورد (بعضی از نمایندگان) بسیار خوب است رأی بگیریید

دهستانی - پیشنهادی دارم اگر اجازه بفرمائید خوانده شود.

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم مدت چهار سال پنج سال بشود. دهستانی

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم که ماهمه و تمام مردم عاطفه کامل بشیر و خورشید سرخ داریم. ما می بینیم که املا کیکه دولت میفروشد قیمتش را ۵ ساله از مردم می گیرد اینجا آمده است برای شیر و خورشید سرخ ۴ سال قائل شده ۴ قسط البته این مدتش کم است. این را تقاضا میکنیم که مدت را زیاد تر بکنند که یک محل خیری است و تمام آقایان هم عاطفه دارند حالا مبلغش هر قدر هست همانقدر باشد ولی یک سال هم اضافه شود مدت و پنج سال بشود آقایان هم البته موافقت خواهند فرمود.

(مخبر) - عرض میشود نظر آقای دهستانی با حسن نیت است و تا اندازه ای برای همراهی با یک بنگاه است ولی دو چیز را توجه بفرمائید آقای دهستانی و آن اینست که اولاً بنگاه شیر و خورشید سرخ این را بعد اقل قیمتی که دولت پیشنهاد کرده است میخرد و حال اینکه اگر توی مزایده برود قیمتش بیش از این میشود (یکی از نمایندگان - دوسه برابر) ثانیاً خود خریدار که بنگاه شیر و خورشید سرخ است و پول هم دارد خودش میخواهد به چهار قسط بدهد ما چرا بگوئیم در پنج قسط پول را بدهد؟ با او این مذاکره هم شده است. (دهستانی) - اگر کار کنان شیر و خورشید سرخ حاضر باشند بنده حرفی ندارم استرداد میکنم)

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانچی

اینجانب پیشنهاد میکنم در ماده ۴۶ پس از قیمت آنرا نوشته شود «پس از دو سال» تهرانچی

رئیس - آقای تهرانچی

تهرانچی - عرض کنم با اینکه موافقت از طرف خود بنگاه شیر و خورشید سرخ هم شده باشد چون در این سالها ناخوشیها زیاد تر است احتیاجات بیشتر است جنگ است بدبختی است برای کمک بحال بینوایان که باید بمصارف آنها برسد بنده پیشنهاد میکنم که پس از دو سال چهار سال گرفته بشود یعنی دو سال معاف است و بعد از آن در چهار سال بچهار قسط بپردازد. بهتر هم این است که اگر آنها یک محلی داشته باشند و یک امراضی در مملکت ایجاد شود بمصرف معالجه آن اشخاص میرسد و این بهتر است که پس از دو سال چهار سال باشد و این را اگر موافقت بفرمائید مغایرتی هم ندارد و بمصرف معالجه مردم هم میرسد.

مخبر - عرض کنم این موضوع مسبوق به مذاکرات قبلی است خود بنگاه شیر و خورشید سرخ هم این ترتیب را قبول کرده است اما در قسمت پیشنهاد ایشان ما وقتی میتوانیم نظر آقای تهرانچی را تأمین کنیم که بنگاه را هم مکلف کنیم که این عایدات را حتماً بمصرف فقرا برساند و باین جا ندهد ولی وقتی که خودشان موافقت کرده اند اجازه بفرمائید بهمین ترتیب بگذرد

بعضی از نمایندگان - آقای تهرانچی استرداد کردید؟

تهرانچی - بلی استرداد میکنم.

طوسی - یک پیشنهاد اصلاحی است مال آقای هاشمی.

پیشنهاد میکنم در ماده اصلاح لفظی بشود و نوشته شود

شیر و خورشید سرخ ایران. هاشمی

رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - عرض کنم این جا نوشته شده است شیر و خورشید ایران در حالیکه مشخصات لفظی هم باید رعایت شود و سرخ هم دارد.

مخبر - صحیح است باید نوشته شود شیر و خورشید

سرخ ایران

رئیس - پیشنهاد آقای مخبر فرمند:

پیشنهاد میکنم این ماده حذف شود. مخبر فرمند

مخبر - حذف که رأی ندارد

رئیس - آقای مخبر فرمند

مخبر فرمند - عرض کنم چون بنده اجازه خواستم که در این موضوع عرایضی داشتم عرض کنم ولی نوبت نرسید متوسل شدم باین پیشنهاد البته پیشنهاد مرا بعداً پس میگرم. عرض کنم شیر و خورشید سرخ یکی از مؤسسات خیریه است که بیشتر توجه بحال افراد رعایا و اشخاص بی بضاعت و فقرا دارد. اصل نیت بسیار خوب است باید هم اینطور باشد مخصوصاً با وضعیت فعلی مردم بیشتر احتیاج به کمک دارند. بنده عقیده ام این است که هر مؤسسه و هر بنگاه خیریه باید تمام سرمایه ای که دارد امروز بکار بیاندازد برای حفظ جان مردم. این خرید و تهیه ملک و چه و چه... درست است که لازم است و باید بشود اما امروز مصلحت نیست امروز اگر بتوانیم افراد را نگاه داریم و فردا برای آنها فکری کنیم بهتر است اگر فردا فردی داشته باشیم میتوانیم برای او پارک و همه چیز تهیه کنیم پس باید فعلاً جان مردم را نگاهداشت.

مخبر - برای استحضار خاطر نماینده محترم عرض میکنم که بنگاه جمعیت شیر و خورشید در نتیجه هدایائی که بآن جمعیت رسیده است و تقدیمی هائی که باین جمعیت داده شده فعلاً برای یک ثروت و توانائی است حتی سال گذشته در حدود ۶۵۰ هزار تومان املاک از آقای قوام خریداری شد برفع شیر و خورشید که پول آنرا اعلیحضرت همایونی اعطاء فرمودند. البته هر مؤسسه خیریه ای که بخواهد اعمال فعالیت بکند حاجت بوسائل دارد که اول وظیفه اش داشتن یک منزل و محلی برای پذیرائی و جمع آوری است و الا اگر بخواهد برای هر محلی یک مقدار خریداری کرایه بدهد قسمت اعظم عایدی اش صرف میشود. اینها هم یک ملکی است که دولت میفروشد و دیگران میخرند بهتر است که جمعیت خیریه بخرد و این یک کمکی است که دولت می کند. (زای - رأی)

بعضی از نمایندگان - عده کافی نیست برای رأی.

طوسی - اجازه می فرمائید آقای پس گرفتید پیشنهاد آنرا

مخبر فرمند - بلی استرداد کردم

(در این موقع عده برای رأی کافی شد)

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ۴۶ موافقین باین ماده بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد..

طوسی - گزارش از کمیسیون بودجه راجع به ماده ۴۱ رسیده است اجازه می فرمائید خوانده شود

رئیس بفرمائید. بخوانید.

کمیسیون بودجه تبصره پیشنهادی آقای هاشمی راجع به ماده ۵۴ قانون متمم بودجه را با حضور نماینده وزارت فرهنگ مطرح نموده و بالنتیجه با موافقت وزارت فرهنگ تبصره پیشنهادی بشرح زیر تصویب و اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

تبصره ماده ۴۱ متمم بودجه ۱۳۲۱ - وزارت فرهنگ مکلف است دانشکده حقوق را تکمیل نماید بطوریکه لیسانسیه های حقوق بتوانند بتحصیل دیپلم دکتری اائل شوند

بعضی از نمایندگان - رأی رأی

صفوی - یک کلمه ای بنده پیشنهاد کرده بودم که آقای وزیر فرهنگ و مخبر هم قبول کرده بودند که اضافه شود و آن کلمه بنادر است.

هاشمی - این مربوط باین موضوع نیست. آن تصویب شد آقای.

رئیس - آقای اردلان در این ماده حرف داشتید؟

معاون وزارت دارائی - خیر. آقای مؤید احمدی پیشنهادی در این ماد داشتند.

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی:

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده اضافه شود: تبصره ۲ - وزارت دارائی مجاز است که اعتبارات وزارتخانه ها را در قیمت اضافات قانونی و افزایش مربوط به کثیرالاولاد هائی مستخدمین دولت را از صرفه جوئی بودجه کل کشور بپردازد.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - بنده توضیح مختصری عرض کنم. در قانون افزایش حقوق تصریح شده است که من باب کمک بانک مبلغی را بدهند بمستخدمین کثیرالاولاد ولی ندادند و نمیدهند

این است که تبعیض شده است در بعضی جاها داده اند و در اغلب وزارتخانهها و ادارات نداده اند.

حالا بنده صحبت کردم و مذاکره کردم با آقای معاون وزارت دارائی و قبول کردند که این تبصره را اضافه کنند بماده رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - اجازه بفرمائید يك اصلاح لفظی است كثیرالاولاد ها غلط است نوشته شده اشخاص كثیرالاولاد. (صحیح است)

رئیس - آقای غنبر هم موافقید؟ (غنبر - بلی) رأی گرفتند میشود به ماده ۱ با این دو تبصره و با اصلاحی که شد موافقین با این ماده برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۴۷.

ماده چهل و هفتم - اشخاصی که در نتیجه اجرای ماده ۵ قانون ۲۵ مهر ماه ۱۳۲۰ تیر نه میشوند حق ادعا و مطالبه حقوق گذشته و خسارت از دولت را ندارند و فقط جرائمی که از آنها دریافت شده است باید مسترد شود. برای تأمین محل پرداخت این جرائم در سال ۱۳۲۲ دولت اعتبار کافی در بودجه منظور خواهد نمود.

رئیس - آقای طوسی.

اوحدی - بنده قبلاً اجازه خواسته بودم.

سمیعی - شما سوم هستید.

رئیس - بلی شما سوم هستید.

آزادی - بلی سوم هستید.

اوحدی - نه خیر. یعنی چه؟ بنده قبلاً اجازه خواسته بودم.

رئیس - آقای طوسی.

طوسی - بنده اول از مجلس شورای ملی اجازه میخواهم

جواب آقای اوحدی را عرض کنم اینطور نیست که فرمودند

بنده در سه ماده قبل که هنوز این ماده خوانده نشده بود

راجع باین ماده اجازه خواسته ام و اجازه داده شد اما

عرض بنده در این ماده. تصور میکنم چنانکه مکرر هم

بعرض مجلس شورای ملی رسانده ام با يك راهبائی نباید

اشخاصی را که خدمتگذار کشور بوده اند تشویق کرد

بدکاران را هم کیفر داد (صحیح است) منظور این ماده

ثروت پذیرش را هم شاید خورده باشد حالاً بیابندوباین آدم چنین عمل کنند؟ این خیلی نازوا است (صحیح است) بنده معتقدم که این مرد را نمیشود جزو همان مردم و در ردیف همان جرائم دانست و یکی تصور کرد (صحیح است) و بنده شخصاً معتقدم که آنچه خسارت بایشان و باین قبیل اشخاص وارد شده چون عده شان هم کم است دولت بدهد (صحیح است) ملاحظه بفرمائید عده شان هم از چند نفر تجاوز نمی کند و شاید چهل و پنجاه هزار تومان هم بیشتر نشود (صحیح است) این است که بنده تقاضا میکنم تمنی میکنم این دو قسمت را از یکدیگر تفکیک کنند مخصوصاً نسبت بشخصی که اسمش برده شد يك توجه بیشتری بفرمایند و خساراتی که باین اشخاص رسیده است جبران بشود و تشویق بشود از اشخاص خدمتگذار و بر عده خدمتگذاران در این موقع اضافه شود و بدانند که مجلس شورای ملی از خدمتگذاران تشویق می کند قدرانی می کند این نظر بنده است. واقعاً بعاطفه مجلس شورای ملی و واقعاً بعاطفه مجلس شورای ملی واگذار میکنم (صحیح است)

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - عرض کنم که بنظر بنده این ماده يك ماده.

رفیعی - بسیار خوبی است

طباطبائی - بسیار بدی است. ملاحظه بفرمائید دیگر

از این بدتر نمیشود که بنویسیم این جا که کسانی که تیر نه

میشوند حق ادعا و مطالبه ندارند اگر ما برای کسی حقی

قائل شدیم حالا مجلس شورای ملی بدهد چه بشود؟ حق

نداشته باشد؟ این را بعقیده بنده باید درش خیلی دقت کرد

و بحث کرد (صحیح است) و باید حالا که این ماده مطرح

است آقایان اجازه بدهند که تذکراتی بدهم و توجه شان

را جلب کنم بیک مبحث اساسی و بیک بحث اصولی. فرق

حکومت مطلقه و مستبدانه با حکومت مشروطه این است

که در حکومت استبداد يك نفر آمر مطلق است مسئولیت

هم ندارد و آن شخص شاه است که در رأس مملکت و در رأس

کارها قرار گرفته و هر کار که دلش میخواهد میکند مسئول

هم نیست برای اینکه کسی نیست از او مؤاخذه بکند قوه

هم مافوق قوه او نیست که از او مؤاخذه کند و مجازات کند ولی در حکومت مشروطه اینطور نیست. اصل مشروطیت اینطور نیست شاه در حکومت مشروطه فقط شاه است و يك مقنن رفیع عالی دارد در مملکت. مسئول هم نیست و چون مسئول نیست حق مداخله هم در کار ندارد (صحیح است) اما رئیس دولت و وزراء مسئولند در مقابل کی؟ در مقابل مجلس که مظهر ملت است. بنظر بنده اگر آقایان توجه بفرمایند البته توجه دارند پایه خرابی و فساد در این مملکت همین است و از این جا است که این اصل قانون اساسی این اصل مشروطیت تا حالا اجرا نشده است و مورد توجه قرار نگرفته است دولتها آمدند وزراء آمدند رئیس الوزراها آمدند و به بدبختی مملکت بعسرت مملکت افزودند انواع فجایع و جنایات را در این مملکت مرتکب شدند و رفتند و از آنها مؤاخذه نشده است اگر هم پرسیدند گفت كيك گفت فلانی گفت شاه گفت مجبور بودیم این عذر موجه شان بود. برای يك نفر متخلف از قانون یعنی يك نفری که برخلاف قانون رفتار کرده است يك قانونی که تصویب میشود اعلان میکنند منتشر می کنند يك نفری که برخلاف آن قانون رفتار کرد او را میبرند بمحکمه میگویند در آنجا که من این قانون را نمیدانستم و جاهل بموضوع قانون بودم آیا این را از او می پذیرند؟ البته این حرف را نمی پذیرند. در مملکت مشروطه این عذر را که بگوید من برخلاف قانون رفتار کردم اما نمی دانستم مسموع نیست و نمی پذیرند (صحیح است) در مملکت مشروطه از يك وزیر یا رئیس الوزرا این عذر را که بگوید من برخلاف قانون رفتار کردم اما حسب الامر بود شنیده نمی شود (صحیح است) حسب الامر بود میخواستی نکنی مجبور شدی میخواستی استعفا بدهی آقای (صحیح است) يك عده را بردند بمحاکم سابق اینها در آنجا محکوم شدند حالا می فرمائید چه؟ محکمه است حکم داده است بعد هم قانون گذرانید که اعاده دادرسی بشود حالا رفته اند باین محکمه اعاده دادرسی رأی این محکمه چطور باید اجرا بشود؟ رأی که این محکمه حالا داده تیر نه کرده يك نفر

متهم را این را هم درش يك نردیدی دارید؟ آیا يك نفر در مجلس هست که بگوید يك نفری را سكند نانیا برده اند به محکمه که بموجب قانون ۲۵ مهر ماه ۱۳۲۰ تشکیل شده است و خودتان رأی دادید و این تبرئه شده است این تبرئه ناصحیح است و درست نیست؛ (نمایندگان - خیر) اگر تبرئه شده است تبرئه شده است دیگر. خوب اگر تبرئه شده است چطور حالا از مجلس قانون می گذرانید که حق این شخصی سکه حالا تبرئه شده است و حق دارد خسارت خودش را بخواهد دعوی شرف بکنند باو داده نشود؟

تهرانچی - آخر سر بجهنم میزند.

طباطبائی - بله آقا؛ بزند بجهنم (تهرانچی - از کجا بیارند؟) بعد از من آقا اجازه بگیرید بیایید حرف بزنید. بالاخره آقا حقوق مردم که نباید ازین برود (صحیح است) شما آقا در مشهد... من ناچارم يك خورد روغن تر صحبت کنم در شهر مشهد ۱۵۰ نفر کشته شدند رئیس الوزرائی که مسئول است او را ببرید به محکمه و نگذارید برود به واشنگتن.

جمعی از نمایندگان - صحیح است، احسنت احسنت

تهرانچی - ازش بگیرید آقا.

طباطبائی - آقا آن پایه که عرض کردم پایه بدبختی و انحطاط و پستی مملکت ما از اینجا است اصلاً والا هیچ دلیل ندارد يك وزیر يك رئیس الوزرائی بیاید در يك مملکت و انواع فجایع را مرتکب شود بعد هم برود بواشنگتن... (صدای زنگ رئیس)

رئیس - چرا آقای طباطبائی در موضوعات مختلفه حرف میزنید؟ در موضوع حرف بزنید...

طباطبائی - آقا مربوط بهمین موضوع است که عرض میکنم. یکنفری را که سابقاً محکوم شده و جلب به محکمه شده مگر نه آن محکومیت و آن جریان ناصحیح و ناصوابی بوده است که سابقاً شده و مورد تصویب مجلس نیست؟ (صحیح است) یکنفر که حالا رفت به محکمه و او تبرئه شد کسی که از هستی ساقط شده مظلوم و بدبخت واقع شده

توی سری خورده چطور مجلس این کار را بکنند دولت خواست بدهد؟ ولی مجلس چرا این قانون را وضع کند که حق این مردم از میان برود؟ آقا می فرمایند که مربوط باین موضوع نیست. مربوط بهمین موضوع است. می گویم مرتکبین این کارها کپها هستند؛ اینها را بگیرند تسلیم محکمه بکنند محکوم که شدند خسارانشان را از این اشخاص بگیرند.

تهرانچی - این درست. این صحیح. درست شد. صحیح است.

طباطبائی - همین است آقا صحبت از سختی است. از بدبختی است از قحط و غلا است الآن جریان ناصوابی که هست دولت وزیر وقت وزیر مسئول باید بداند که مسئول است مسئولیت دارد در آتیه هم مسئول است می فرمائید مسئول نیست؟ چرا مسئول نیست؟ اکثر این محکومیتها در زمان ریاست وزرائی و کابینه همان آقای فروغی است در زمان ریاست وزرائی بنده که نبوده است آقا. حالا ایشان دارند زنگ میزنند که من حرف نزنم. در این جا آقای دشتی فرمودند که هفتاد و پنج هزار تومان برای خرج سفر خواسته بنده اطلاع دارم که پنجاه هزار دلار هم خرج يك مدتی را برای اقامت آنجا خواسته است منتهی شنیدم که وزیر دارائی موافقت نکرده و دولت راضی نشده و همینطور مانده است.

تهرانچی - سی هزار دلار هم می خواهد برای هزینه میسیون فرهنگی که هنوز نیامده... (خنده نمایندگان)

طباطبائی - بلی توی روزنامه دیدم که يك مدیر روزنامه هم شکایت کرده است به تمیز و محکمه که ایشان من را با وجود مجلس شورای ملی بزجر و عذاب انداخته و تبعید کرده است و حالا هم دارند میروند بواشنگتن و باید جواب بدهند ایشان مسئولند آقا. هیچ معنی دارد توی مملکت مشروطه يك وزیر يك رئیس الوزرائی بیاید يك ماه دو ماه يك سال هر کاری که دلتش می خواهد بکند بعد بگذارد و برود سرش را از دربار در بیاورد بعد از واشنگتن آخر برای چه؟ این چه ترتیبی است این هم شد زندگی؟ (صحیح است)

رئیس - آقای اوحدی.

اوحدی - بنده البته نظر مجلس و رأی مجلس محترم را مقدس میدانم و اعتراضی نمی کنم ولی يك کلمه آقای طوسی در بیانات خودشان بعنوان جواب بنده اظهار کردند که مرا مجبور کردند که عرضی کنم آقای طوسی بنده در جلسه قبل پیشنهاد حذف ماده را داده بودم چرا پیشنهاد بنده را نخواندید؟ **جمعی از نمایندگان** - این حرفها که مطرح نیست. **اوحدی** - بنده اجازه میخواهم شما میفرمائید در سه ماده قبل که این ماده هنوز خوانده نشده بود من اجازه خواسته ام بسیار خوب پس ممکن است بنده هم از ده ماده قبل که هنوز خوانده نشده اجازه بخواهم.

افشار - این حرفها ربطی بموضوع ندارد آقا.

اوحدی - بنده آقایان اجازه میخواهم و عرض میکنم این ماده را زائد میدانم (صحیح است) این ماده باید حذف شود آقای نماینده وزارت دارائی و آقای مخبر هم موافقت بکنند زیرا که نمی خواهیم وارد در جزئیات این ماده بشوم و در حقیقت مجلس را داخل در يك قضایائی که هیچ مقتضی نیست و مناسبت هم ندارد که با رضیت فعلی بعضی صحبتها و گفتگوها در اطراف آن بشود بکنم این است که بطور سر بسته عرض میکنم در این ماده اشاره شده است که تأمین و محل پرداخت جرائم و سایر قضا یا در سنه ۱۳۲۲ در بودجه منظور خواهد شد پس ببرید و این ماده را بیندازید و بگذارید در سال ۱۳۲۲ و برای بودجه سال ۱۳۲۲ هر چه میخواهید بکنید در آن جا بکنید این جا موافقت بکنید که این ماده حذف شود. (صحیح است).

مخبر - عرض کنم حضورتان مطلب خیلی اصولی است و حسابی و حاجتی ندارد که اینقدر آقایان عصبانی شوند مخصوصاً آقای طباطبائی، دولت فعلی این لایحه را پیشنهاد نکرده اند این لایحه را دولت سابق پیشنهاد کرد در کمیسیون بودجه هم مذاکره شد که اشخاصی که از دادگاه تحصیل حکم برائت می کنند اینها در حق دارند یکی اینکه در مدت تعلیقشان حق دارند حقوق انتظار خدمت بگیرند دوم اینکه اگر جرائمی از اینها گرفته شده است و ثابت شده است که

این جرائم بیخودی از آنها گرفته شده است بایستی بآنها داده شود قانون این حق را بآنها داده است و حکم محکمه قابل بازگشت نیست و بهمین جهت بود که ایجاد این دادگاه شد که تجدید نظری بشود در دعوی گذشته در احکام گذشته و لهذا يك مانع سومی که این جاهست نباید در مقابل این حق ایجاد کرد و حق باید اجرا شود در کمیسیون بودجه هم خود آقایان این را تذکر دادند باینکه اگر حقوق انتظار خدمت آنها را نداشته باشند بدهند قانونی داریم که حقوق اشخاص منتظر خدمت تا وقتی که تعدادشان از صدی پنج عده اعضاء هر وزارتخانه تجاوز نکرده بآنها پرداخته میشود يك قاعده هست برای پرداخت حقوق منتظرین خدمت وقتی محل ندارند خوب طبیعتاً نمیدهند چقدر منتظر خدمت الان دارند راه میروند و حقوق نمیگیرند و این جزو دیون میشود. اما خساراتی که از این اشخاص گرفته اند غالباً قرارداد با آنها بستند ماهی ۵ تومان ماهی ده تومان ماهی سی تومان ماهی پنجاه تومان با محکومین قرارداد بسته اند و يك قسمت از این خسارتها هنوز هم وصول نشده است بنابراین حالا هم نمیگویم آن مقداری که گرفتید اگر محلی داشتید بدهید اگر محلی نداشتید مثل سایر دیون جزو دیون خواهید گذاشت برای سال بعد این صحبتها شد که در مقابل حکم محکمه این مانع ایجاد نشود ولی نپذیرفتند و اصرار هم کردند البته رد لایحه دولت هم باعث عدم اطمینان و عدم اعتماد بدولت بود تصویب شد و آمد بمجلس شورای ملی الان هم این لایحه هیچ مورد ندارد و بنابراین اگر بنده اختیار دارم بنمایندگی کمیسیون بودجه اصلاً این ماده را پس میگیرم.

عده از نمایندگان - بسیار خوب. صحیح است.

معاون وزارت دارائی - چون از طرف دولت پیشنهاد شده بنده نمی توانم پس بگیرم ولی تمنی میکنم که کمیسیون برود چند ماده دیگر هم هست آنوقت ممکن است کمیسیون اصلاً پیشنهاد نکند. (صحیح است)

رئیس - ماده چهارم و هشتم:

ماده چهارم و هشتم - وزارت دارائی مجاز است صرفه

جوئی های ماهیانه و سالیانه مواد بودجه سال ۱۳۲۱ امنیه کل کشور را بمصارفی که در سایر مواد بودجه آن اداره رئیس کل امنیه صلاح بدانند برساند
رئیس - آقای انوار

انوار - اینجا توجه بفرمایند آقای مخبر اولاً امنیه را باید ژاندارمری تبدیل کنند ثانیاً بنده در کمیسیون همانطور که آقایان در نظر دارند پیشنهاد کردم حالا هم در مجلس تذکر می دهیم اگر هم قبول نشود شاید خود اداره ژاندارمری باین خیال بیفتد و حقیقه برای خاطر تشویق ژاندارمری و قوت دادن به ژاندارمری و توسعه آنجا باید نهایت اهتمام در بودجه آن ها بشود و نظر داشته باشیم که حقیقه یک بودجه مهمی بآن جا داده شود برای امنیت مملکت و همه جور باید بآنها مساعدت کرد که دست و بال شان باز باشد که حفظ امنیت بکنند بنده در موضوع صرفه جوئی که در این ماده هست در کمیسیون بودجه پیشنهاد کردم چون یک عده که برای آنجا معین شده است گمان نمیکنم کفایت بکنند برای شان و باید عده را زیاد کنند چون بحمدالله مملکت ما عرض و طول زیادی دارد و این عده معدودی را که حالا بتحقیق نمی دانم چقدر است کافی نمیدانم و بنده پیشنهاد کردم در کمیسیون که مخارجی که تا آخر سال میشود از آن صرفه جوئی کرد اگر چه فکر صرفه جوئی در مخارج نیست مثلاً گذشته از یک اتومبیل که برای رئیس ژاندارمری لازم است سه تا اتومبیل میگویند باید باشد یکی برای معاون یکی برای اردنانس یکی برای کی (خنده نمایندگان) این را بنده گفتم صرفه جوئی های شان صرف افراد بشود در آنجا موافقت نکردند یعنی در کمیسیون بودجه نظر من این بود که افراد چیز پیدا کنند . . . کثرت پیدا کنند پیشنهاد من در کمیسیون رد شد حالا تذکر میدهم در مجلس شورای ملی با آقای معاون وزارت دارائی که توجه داشته باشید آقای مملکت ما در طول ترقی کنند نه در عرض ترقی کند و سر و صورتی بکارها داده شود که حقیقه یک قدم اساسی و صحیحی برای کارها برداشته شود نه ظاهری باشد مثلاً دیروز ما رفتم عده بودیم از آقایان نمایندگان برای

مدرسه طبابت رفتم در حدود صد و پنجاه نفر دوست نفر از ولایات آمده اند بتهران برای مدرسه طبابت که درس طبابت بخوانند این بیچاره ها را رد کرده اند که ما جا نداریم آخر دوست نفر سیصد نفری که از تمام این کشور جمع شده اند و آمده اند بتهران برای تحصیل کردن علم طبابت با این احتیاج مبرمی که مملکت بطیب دارد (آیا میدانید که ما چقدر احتیاج بطیب داریم؟) آخر اینها کجا بروند و تحصیل کنند؟ اطباء سابق که محروم شده اند از طبابت و دیگر نیستند و اگر هم باشند که میگویند آقا تو دکتر نیستی نباید طبابت بکنی این اطباء فعلی جدید هم که حاضر نیستند بولایات بروند با این امراض گوناگون پس مردم ولایات چه بکنند؟ . . .

یکی از نمایندگان - آقا این موضوع چه ربطی بصرفه جوئی ژاندارمری دارد؟

انوار - خدا حفظش کند آقای دکتر آشتیانی را در آنجا شرح مبسوطی بیان کرد و درد ما را گفت . بیان کرد که ما داد کردیم فریاد کردیم در آن موقع که آقا سه میلیون مخارج اجدیه را صد هزار تو مائش را خرج اطاق شاگردان بکنید ولی متأسفانه نشد و قبول نکردند و نساختند و رفتند اجدیه ساختند حالا بنده زیاد مجلس را توجه بدرد ها نمیدهم و اینجا هم جایش نبود فقط خواستم یک توجهی بدهم که فردا نگویند بله ما مملکت را ترقی دادیم و بردیمش بکوره مریخ این ها بوده است که در سابق در این مدت چشم و گوش همه را پر کرده بودند حالا در این ماده هم نظر بنده این بود که این صرفه جوئی که میشود خرج افراد یعنی کثرت افراد امنیه بشود حالا نمیدانم آقای معاون و مخبر قبول میکنند یا نه؟

مخبر - عرض کنم بودجه امنیه خیلی کم است در کمیسیون بودجه از طرف آقایان اعضای کمیسیون بودجه پیشنهاد شد که یک مبلغی بر بودجه امنیه افزوده شود چون بدلیل این که تنها خدمتی که امروزه کمال اهمیت را برای مملکت دارد تقویت قوه ژاندارمری و امنیه و ایجاد امنیت است و بهمین جهت

بعد از هز ارزحمت که دولت سابق موافقت تمیکر دند عاقبت گویا پنج میلیون از جاهای دیگر صرفه جوئی شد و باینجا اضافه شد شخص رئیس ژاندارمری هم در کمیسیون حاضر شد و این طور توضیح داد که ما یک گرفتاری دیگری هم داریم و آن این است که بواسطه تأخیر در بودجه و بعضی احکام که بموقع اجرا نمی شود تک مبلغی در بودجه ماصرفه جوئی میشود مثلاً برای فرستادن بفلان محل یک سرهنگ باید اعزام شود مایک باور فرستاده ایم تفاوت حقوق بین باور یا سرهنگ یک صرفه جوئی است پس بهتر است اجازه بدهید که ما این صرفه جوئی را بمصرف تهیه کت یا پتو یا پالتو یا تفنگ یا چیزهای دیگر که لازم و ضروری است برای این اشخاص برسانیم باالسبب تهیه کنیم حالا مجبور هستیم برای راه های دور ایجاد وسائل ارتباط بین پستها و وسائل حمل و نقل موتوری داشته باشیم باالسبب تهیه کنیم یا وسیله حرکت تهیه کنیم حالا بادوری راهها مانا چاریم قوای موتوری داشته باشیم اتومبیل داشته باشیم از این قبیل توضیحات آقایان هم قانع شد باین جهت هم پیشنهاد کردند که صرفه جوئی ماهیانه بسالیانه آنچه که صرفه جوئی تشخیص میشود با تشخیص رئیس امنیه بمصرف آن برسد البته این یک امتیازی بود برای رئیس امنیه و اینجا البته رئیس فعلی نگفتیم ولی مقصود همین بود برای اینکه رئیس فعلی امنیه بر خلاف رؤسای سابق هستند ایشان دارای هیچ تشریفاتی نیستند مردی است لایق و شریف و بی غرض و درست (صحیح است) میزان این تشخیص هم زندگانی و ثروت شخص ایشان است (صحیح است) بنا بر این با این وضعیت موافقت شده است که این صرفه جوئی ها را باین مصارف برسانند مراجع بمدرسه حقوق و طب که فرمودند اینها یک مسائل صحیحی است و حتی دانشکده حقوق بهیچوجه محتاج به کنکور نبوده در هیچ جای دنیا هم معمول نیست و محصلین باید پذیرفته شوند جا هم دارند در علوم نظری هم حاجت نیست که عده کم باشد وقتی که معلم کنفرانس میدهد درس میدهد محصلین علوم نظری همه بقدر فهم و استعداد خودشان استفاده میکنند اما علوم عملی که محتاج به لابراتوار و دستگاهی است آنرا هم

دیروز تذکر دادیم که مسائل ژاندارمری را بشناسند و طبابت را بپذیرند و بهر صورت این یک مطلبی است که اگر موافقت بفرمایند در بودجه فرهنگ در کمیسیون بودجه صحبت بکنیم
رئیس - آقای نهر انچی

نهر انچی - بنده در این ماده اجازه خواستم که البته همانطور که چون در مملکت ما نه شجرات راجع به خاندین نه تشویق راجع به خادمین است این است که ناچار شدیم در اینجا از آقای سرلشکر آقا اولی که بیای از صاحب منصبان لایق و کافی و کاردان و شایسته است (که از خدا میخواهیم امثال اینها را برای ما حفظ و زیاد کند) تشکر کنیم (صحیح است) و عرض دیگر هم که میخواهیم بنده این است که ما از این نوع صاحب منصبان از شد خوب صحیح العمل داریم که اینها بیکارند و تعجب میکنم از دولت که چرا این اشخاص را که در این موقع باید مملکت از وجودشان استفاده کند بیکار گذاشته اند و شاید هم توجه دارند بآنها و بهر صورت خواهش میکنم که هیئت دولت آنها را بیکار بگذارند که از وجود آنها استفاده بکنیم حالا اسم هم نمیدهم برای اینکه ریا نشود.

یهمین اسفندیاری - اسم هم بیدید
رئیس - آقای فریدونی .

فریدونی - موافقم .

رئیس - رأی میگیریم بماده چهارم و هشت موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده چهارم و نه .

ماده ۴۹ - دولت مکلف است درآمدهای حاصله از موقوفات مجهول المصرف ، متعذر المصرف ، خیرات و مبرات و تعلیماتی هر شهرستانرا بمصرف فرهنگ همان شهرستان برساند .
رئیس - آقای هاشمی .

هاشمی - آنچه از عوائد موقوفات مجهول المصرف و متعذر المصرف حاصل میشود صرف امور فرهنگ شهرستانها بشود ما کمال موافقت را داریم سابقاً هم عرض کردم اما در تشخیص این دو قسمت مردم سر و کارشان با ما مورین می افتد قانونی هم نداریم که درست تشخیص کرده باشد که

متعذرالمصرف چیست. بدیهی است يك چیزهائی است که چند سال پیشتر بوده پنجاه سال پیشتر بوده و مرور دهور آنها را که نه کرده است و تقریباً از صورت شعائر مذهبی بیرون رفته آنها محل بحث نیست ولی الآن مطابق چه قانونی وزارت فرهنگ و نمایندگان آنها میتوانند در شهرستانها تشخیص بدهند که مجهولالمصرف و متعذرالمصرف چیست علاوه با این قسمت که خیرات و مبرات هم بطور مطلق بخصوصه صرف تعلیمات بشود این خلاف آن نیست واقف است درست است که تعلیمات هم یکی از خیرات و مبرات است ممکن است يك وقفی باشد برای پوشانیدن یا اطعام یا توجه بایتام صرفاً ما آن خیر را برداریم صرف يك خیر دیگر بکنیم شرعاً و قانوناً این حق را نداریم.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - خیلی متأسفم که آقایان وزراء تمام احتیاجاتی که هر وزارتخانه دارد توی لایحه متمم بودجه میگذارند اما وقت گذشتن هیچکدام نمیآیند بنده الآن صحبت هائی میخواهم بکنم که ابتدا مربوط بوزارت دارائی نیست آقای اردلان چه جوابی به بنده بدهند؟ این ماده راجع بوزارت فرهنگ است باید آقای وزیر فرهنگ تشریف بیاورند که صحبت های ما را متذکر بشوند. عرض کنم که البته بنده از اشخاصی هستم که با این ماده کاملاً موافقم بشهادت آقای فیاض که در شور اول بنده پیشنهاد کردم که صرف مدارس بشود بفرمایش آقای هاشمی این را باید درست دقت کرد يك موقوفات مجهول التولیه در قانون اوقاف داریم که اینها را اداره اوقاف اداره میکند این صحیح است چون متولی آن مجهول است در قانون هم تصریح دارد لکن این متعذرالمصرف را برایش يك معانی کرده اند و هر کس مطابق دماغ خودش يك تعبیری میکند مثلاً بگویی بگویی بگویی بگویی این متعذرالمصرف است چون روضه نمیتواند بخواند مثلاً برای تعمیر مسجد است جلو مساجد را گرفته اند میگویند متعذرالمصرف است چرا برای اینکه نماز باستانی در آنجا بخوانند حالا متعذرالمصرف است این تشخیص در دست رؤسای اوقاف

است وزارت خانه هم درست اطلاع ندارد. چرا؟ حالا عرض میکنم شما بودجه سال گذشته را ملاحظه بفرمائید بودجه عایدات اوقاف ما بوده است يك میلیون یا دو میلیون حالا خاطر من نیست دو میلیون و دو بیست و پنجاه هزار تومان امسال برای اینکه آن وضع حکومت سابق برداشته شد نوشته اند عایدات دو بیست و پنجاه هزار تومان مخارج دو بیست و پنجاه هزار تومان (ملاحظه بفرمائید) که همان نیم عشر باشد یعنی وزارت معارف دیگر حق ندارد مداخله در این کار بکند آنوقت با این وضعی که این شکل مردم از حیث خواربار گرفتارند بنده يك موقوفه را سراغ دارم در کرمان خودمان که وقف است بر تغذیه فقرا و واقف قرار داده است که اینهارا صرف غذا دادن به فقرا بکند امروز این را بگوئیم متعذرالمصرف است؟ امروز این را باید صرف فقرا بکنیم آقایان شاید بدانند بجان شما. در کرمان يك موقوفه است یعنی مادری وقف کرده است پسرش هم متولی است و این وقف است بر همین کار یعنی وقف است بر تغذیه فقرا و الان اداره اوقاف برده است این موقوفه را و متولی تظلم کرده است و الان در تهران است حالا به بنیم چه کاربرایش میتواند بکنند. غرض این است آقا موقوفات را میبرند تمام را میخورند بوزارتخانه هم چیزی نمیآید ولی اینطور میگویند که پیش بینی کرده اند اگر درست اجرا شود بنده کمال موافقت را دارم اولاً موقوفاتی که مصرف معین دارد باید بمصرف خودش برسد و باید وزارت فرهنگ بمصرف جاهای دیگر برساند اما موقوفه ای که وقف شده است برای اطعام فقرا این را چکار بکنند باید چهار تا فقیر را اداره کرد این است که متعذرالمصرف را (نکته خوبی گفتند آقای هاشمی) باید تشخیص داد که آیا واقفاً متعذرالمصرف است یا نه؟ باید درست دقت کرد و الا هر موقوفه ای را میگویند متعذرالمصرف است و میبرندش.

رئیس - آقای رضوی.

رضوی - بنده هم با این ماده مخالف هستم و میخواستم اصولاً عرض کنم که مداخله ای که وزارت فرهنگ در امور موقوفات کرده است تا بحال يك نتیجه برای حسن اجرا و

تنظیم موقوفات نداشته است فقط این اندازه بوده که يك عایدی از راه موقوفات دریافت شود و يك اداره هم تهیه بشود. بنده عقیده ام بر این است که موقوفات يك اداره یا وزارتخانه خاصی میخواهد که درست مصرف موقوفات را در نظر بگیرد و يك تعلیمات و معنوی و اصلاح همینطور که از نظر فرهنگ میخواهم تعلیم بدهیم يك تعلیم و ترتیب معنوی هم از نظر موقوفات بمردم بدهیم که از نظر بسط موقوفات قابل نظم و قابل اجرا است و این ماده که فقط آمده است و موقوفات مجهول التولیه و مجهولالمصرف را ذکر کرده است باز از همان نظر است که يك چند تومانی یا چند هزار ریالی از این بابت دریافت بشود و معلوم نیست که مأمورین اوقاف با مردم خوب رفتار میکنند یا بد و آیا بمصرف خیرات و مبرات میرسد یا نمیرسد و حال آنکه اساساً ترویج اوقاف از نظر خیرات عمومی بنظر بنده بسیار امر خوب و مفیدی است بنده که این پیشنهاد را عرض میکنم بحمدالله دارای هیچ رشته موقوفاتی نیستیم که تصور بشود برای خودم این اظهار را میکنم ولی باید اوقاف بر حسب آنچه که واقف مقرر کرده است باید يك اساس کلی و دائمی باشد که در موقوفات مملکت جریان داشته باشد و هر پیشنهادی که برخلاف آن بشود بعقیده بنده اصلاً مجلس شورای ملی نباید بپذیرد و قبول کند زیرا همینطور که ماصال مالکیت برای احیاء همه گونه دخالتی را در اموال خودشان مقتضی و جایز دانسته همینطور هم بعد از فوت خودشان باید آنچه را که میل داشته اند نسبت باموالشان عمل بشود باین جهت بنده پیشنهاد میکنم این ماده از این لایحه حذف بشود.

مخبر - بنده قبلاً عرض کنم که این ماده را دولت پیشنهاد

نکرده این ماده در کمیسیون پیشنهاد شده (سلطانی - دیگر بدتر) از طرف آقایان نمایندگان پیشنهاد شد دولت هم پذیرفت حالا جهت پیشنهاد چه بود اولاً راجع بقانون اوقاف هیچ نگرانی گمان نمیکنم موجود باشد ما يك قانون اوقاف داریم مصوبه ۲۸ شهر شعبان ۱۳۲۸ البته در سال ۱۳۲۸ قمری بیشتر دستگام دیانت قوت داشته است و در آن تاریخ که این قانون

گذشته است این مراعات شده است و وظیفه اداره اوقاف را در شق چهار از ماده شش اینطور معین کرده اند شق ۴ مراقبت در صرف عایدات اوقاف بمصارف مخصوصه خودش حسب ما اوقافها اهلها پس در این ماده مخالفی نیست يك مقرراتی است. شق ۵: اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود، در مصارف تعلیمات و فوائد عمومیه. ششم: اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد بموجب اذن از طرف یکی از حکام شرع این سه ماده وظیفه ایست که برای اداره اوقاف تعیین شده و تطبیق با مقررات شرعی هم میکند حالا ما دونظر داریم یکی اینکه چرا متصدیان بمقررات قانونی خودشان عمل نمیکنند ولی حالا با داشتن این مقررات و قوانین تعقیبش کنید که عمل کنند مفاد این پیشنهاد هم این است که اینطور موقوفاتی که مصرف تعیین نشده است، حالا چطور معین نشده است مثلاً يك ملک است که وقف است و وقفنامه اش کم شده فقط اشخاصی که طرف اعتماد هستند شهادت میدهند که این ملک وقف است و بوقفیت عمل میشود است و میگفته اند که مصرفش چه چیزها است و محقق است اینها باید به مصرف مخصوص خودش باید برسد آن مقداری که محقق نیست آن در بریات مطلق باید صرف شود و در قانون هم گذاشته شده است که مصارف تعلیمات و فوائد عمومیه بشود فوائد عمومیه را هم آقایان نظر داشتند که کلاماً بهداری اضافه شود بمصرف تعلیمات و بهداری محل، البته این هم جای موافقت هست يك نکته دیگر هم که این متعذرالمصرف را کی تشخیص بدهد خوب بنده از آقایان میپرسم متولی را کی تشخیص میدهد؟ دو نفر با هم دعوی دارند این میگویند من هستم او میگوید من هستم تشخیصش با کسی است؟ (رضوی - متولی خاص در آنجا معین است ولی اینجا مصرف معین نیست) (مؤید احمدی - عدلیه باید معین کند) اجازه بفرمائید يك قدری توجه بفرمائید عرض کنم وقتی که اختلاف شد محکمه معین میکند یعنی اداره اوقاف میگوید متعذرالمصرف است شما که متولی هستید میگویند خیر مشخصالمصرف است طرفین هم استدلالی دارند به محکمه ای که قانون معین

کرده مراجعه میکنند تشخیص میدهد بنابراین وقتی با اصل موضوع موافقت حاصل است این اهمیتی ندارد بعلاوه این قانون در شعبان ۱۳۲۸ گذشته در دوره دیکتاتوری که نبوده است (رضوی - آن متعذرالمصرف ندارد) متعذرالمصرف و مجهولالمصرف يك شباهتی با هم دارد آقا (مؤید احمدی - این متعذرالمصرف را درست کرده اند که خرج روضه خوانی و تعذیه نشود) عرض کنم عیب کار این است که اگر آقایان در این مجلس شورای ملی انتظار دارند که تمام دستگاه ها بوظیفه خودشان عمل بکنند ولی بيك نفر اجازه نمی دهند بنده که نمیتوانم بفرد فرد آقایان یکدفعه جواب بدهم . بنده عرض کردم اوقاف عایداتش با مصرفش معلوم است یا مصرفش مجهول است یا باصطلاح نظامنامه اوقاف متعذر - المصرف است که میفرمایند متعذرالمصرف عنوان ندارد یعنی هر چیزی قابل مصرف شدن است مثلا اگر در وقفنامه

ذکر شده است عایدات فلان ملك بمصرف غراب عرب که بزبانت فلان محل میآیند مصرف شود خواهیم گفت که ... (رضوی - آقا همچو چیزی نیست) همان اشکال بنده هست بنده خواستم به نتیجه برسم بنده خودم يك پیشنهاد دارم (برای اینکه این ماده را دولت پیشنهاد نکرده است در کمیسیون بودجه پیشنهاد شد و از طرف دولت پذیرفته شد) اگر نظر اکثریت آقایان یا بعضی آقایان با عبارت این ماده یا معنای این ماده مخالفت دارند موافقت بفرمایند که این ماده برگردد به کمیسیون و دوباره به مجلس بیاید (صحیح است) .

رئیس - اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز پنجشنبه سه ساعت و نیم پیش از ظهر دستور همین لایحه .

[مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد]
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری